

برای جذب نیروهای مردمی در قالب سرباز وظیفه و بسیجی به عمل آوردند. کار مهم این مرحله، آموزش، سازماندهی و تجهیز نیروهای داوطلب بود. وجود انگیزه و روحیه ایثار و از خودگذشتگی در نزد این نیروها، شرایطی را فراهم ساخت تا با الهام از مکتب امام حسین (ع)، درصدد احیای فرهنگ عاشورایی برآیند و با تلفیق تخصص و تعهد و تعلیم اصیل اسلامی به فراگیری فنون رزمی و جنگاوری مبادرت ورزند. فرماندهان یگان‌های حاضر در منطقه با هدف افزایش مهارت‌ها، قدرت جسمانی، اعتماد به نفس و سرعت عمل نیروهای خود، براساس موقعیت خاص هر عملیات به تدوین برنامه‌های آموزشی اقدام می‌کردند. در آموزش‌های پیش‌بینی شده، علاوه بر تأکید بر مهارت‌های رزمی افراد و ارتقاء آن، فرآیند تصمیم‌گیری در سطح یگان‌ها نیز افزایش پیدا کرد.

آموزش‌ها در دو بخش فردی و گروهی صورت می‌پذیرفت. آموزش افراد در کلیه مراحل آماده‌سازی شامل رزم انفرادی، راهپیمایی، تأمین مناطق عملیاتی، عملیات آفندی و پدافندی بود. فرماندهان و یگان‌های عمل‌کننده ارتش و سپاه حساسیت ویژه‌ای نسبت به آموزش کیفی نیروهایشان می‌دادند. مطابقت محل آموزش با منطقه عملیات، نوع و سطح آن و همچنین مربیان آموزشی همواره مورد توجه خاص فرماندهان یگان‌های حاضر در عملیات قرار داشت.

فرماندهان و مسئولان واحدهای آموزش به خوبی می‌دانستند که میزان آمادگی نیروها تنها با جذب نیروهای کیفی و ایجاد یک سیستم آموزشی موثر می‌تواند به سطح قابل اطمینانی ارتقاء یابد. از این رو، همواره برنامه آموزش نیروها به نحوی تنظیم می‌شد که از قابلیت انعطاف‌پذیری مناسبی برای انجام هر گونه عملیات سخت و طاقت‌فرسا برخوردار باشند.

مسئولیت‌های فزاینده خود نخواهند بود. آموزش عبارت است از تمام کنش‌ها و روش‌هایی که برای رشد و تکامل توانایی‌های مغزی، معرفتی و هم‌چنین افزایش یا تغییر مهارت‌ها و نگرش‌ها و رفتار انسان به کار می‌روند به گونه‌ای که، شخصیت انسان را در چارچوب ارزش‌های متعالی جامعه تا حد امکان تعالی بخشد (نائینی، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

در دنیای امروز برای افزایش توان فرد و بهره‌وری سازمان، لازم است اطلاعات و دانش افراد به روز شود و این مهم، تنها با آموزش مستمر و مداوم، ممکن خواهد بود. وجود انگیزه و روحیه در کار، رضایت شغلی، افزایش کارایی، توان حرفه‌ای، هماهنگی کارکنان با هدف‌های سازمان و استفاده صحیح از منابع، نمونه‌هایی از آثار وجود نظام آموزش کارآمد و موثر است.

موضوع آموزش در جریان جنگ تحمیلی نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود. ابداع سبک نوین عملیات نیروهای نظامی ایران، از ابتدای جنگ به تدریج بر پایه نیروهای انسانی شکل گرفت. اساس تفکر و شیوه جدید نبردها بر استفاده از نیروهای نظامی متکی بود. ضرورت انجام نبردهای پی‌درپی برای بیرون راندن دشمن از خاک کشورمان، باعث شد نیروهای وفادار و علاقه‌مند گروه گروه با مراجعه به مراکز جذب نیروی انسانی، آمادگی خود را اعلام کنند. متعاقب آن، ارتش و سپاه اقدامات لازم را

آمادگی جسمانی، زمینه اصلی کلیه آموزش‌های نظامی است و بدون آن، موفقیت نظامیان در انجام وظایف مربوط به خود یا یگان خدمتی مربوطه، امکان‌پذیر نیست

این مقاله با نگاه به قالب های تئوریک و کاربردی، در پی آن است تجربیات به دست آمده در طول جنگ ایران و عراق را در امر آموزش در یک چارچوب تحلیلی مورد بررسی قرار دهد.

مفاهیم نظری مرتبط با مقوله آموزش

کلمه آموزش معادل واژه انگلیسی training است (حسینی، ۱۳۷۹: ۴۸۶). آموزش، اسم مصدر از واژه آموختن می باشد و به معنای تعلیم دادن، عمل آموختن، راهنمایی و یاد دادن است (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۲، ۷۹۹ - ۸۰۰). آموزش عبارت از فعالیت هایی است که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده از جانب معلم طرح ریزی می شود و بین معلم و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می یابد (سلمانی: ۱۲ - ۱۳). به عنوان یک تعریف جامع از آموزش می توان گفت آموزش عبارت است از فرآیند استقلال یک سری ارزش ها، مهارت ها و فنونی که از تجربیات نسل های گذشته به جای مانده و در اختیار نسل جدید قرار می گیرد (سلمانی: ۱۳).

اهمیت و ضرورت آموزش

انسان برای ادامه زندگی به طور آگاهانه و بدون آموزش با دو مشکل عمده مواجه می باشد، اول اینکه حل هر مسأله و یافتن پاسخ هر پرسش برای نخستین بار وقت زیادی می گیرد، به طوری که عمر هیچ فردی برای تکرار تجارب نو و ارزیابی مجدد یافته هایش تکافو نمی کند. دوم اینکه در هر مورد، بیم اشتباه وجود دارد و این امر فرآیند یادگیری را طولانی تر می کند. اگر قرار باشد هر نسل همه یافته های گذشتگان را نادیده بگیرد و تجارب آنان را تکرار نماید و حتی راههای خطایی را که رفته اند از نو بیاماید، هیچ پیشرفتی به وقوع نخواهد پیوست. از نظر آدام اسمیت، انسان ها با آموزش به سرمایه مبدل می شوند و جامعه می تواند از توان تولیدی آنها به

صورت بهتری بهره مند گردد. دانش مستلزم انجام هزینه هایی است و این هزینه ها جنبه سرمایه ای دارد. دریافت کنندگان آموزش به سرمایه ثابتی تبدیل خواهند شد که فرآیند تولید قدرت و درآمد جامعه را ارتقاء خواهند بخشید. همچنین آموزش باعث می شود فرهنگ و سطح علمی هر جامعه افزایش یابد و فساد، مسامحه کاری و بی بندباری از میان برود. جامعه ای که از افراد تحصیل کرده بیشتری برخوردار باشد، قادر است با مقدار معینی از سرمایه و مواد اولیه، محصول بیشتری را تولید و به بازار عرضه نماید. فرماندهی

که از آموزش متناسب با درجه و جایگاه شغلی خود بهره مند باشد، قطعاً از تلفات جانی و مالی در امان بوده و امکان پیروزی او در یک نبرد بیشتر خواهد شد.

آموزش، باعث می شود در نحوه انجام وظیفه بهبود حاصل شود، امکان جایگزین کردن

کارمندان در شرایط اضطراری فراهم آید، هزینه ها کاهش یابد، از میزان حوادث و ضایعات کاسته شود و ثبات بیشتری در سازمان به وجود آید. (سلمانی: ۱۳ - ۱۴)

آموزش های نظامی

این نوع از آموزش، انواع آموزش مرتبط با امور نظامی را در بر می گیرد. در ذیل برخی از مباحثی که در چارچوب موضوع آموزش نظامی قابل توجه است مورد بررسی قرار می گیرد:

ابداع سبک نوین عملیات
نیروهای نظامی ایران، از
ابتدای جنگ به تدریج بر
پایه نیروهای انسانی شکل
گرفت

تربیت بدنی و آمادگی جسمانی

آمادگی جسمانی، زمینه اصلی کلیه آموزش های نظامی است و بدون وجود سطح قابل قبول از آمادگی جسمی، موفقیت نظامیان در انجام وظایف مربوط به خود یا یگان خدمتی مربوطه، امکان پذیر نیست. تنوع وظایف نظامیان که از حرکات ساده در یک محیط مشخص تا حرکات کاملاً پیچیده و مخاطره آمیز در محیط های گوناگون و ناآشنا را شامل می شود، اهمیت آمادگی جسمانی افراد و یگان را بیشتر عیان می سازد. آمادگی

کامل برای رزم، شامل آمادگی تکنیکی، آمادگی فکری و روحی و آمادگی بدنی می شود.

(نائینی، ۱۳۸۵: ۱۴۶) در صورتی که هر یک از جنبه های آمادگی دچار نقص یا کمبود باشد، فعالیت های رزمی به صورت موثر و مناسبی انجام نخواهد گرفت. بدون

آمادگی تکنیکی، سرباز فاقد مهارت و کارایی در جنگ است. بدون آمادگی فکری و روحی، فاقد انگیزه و اعتماد و بدون آمادگی جسمانی فاقد توانایی و تحمل برای انجام وظایف نظامی است (نائینی، ۱۳۸۵: ۱۴۶). اجزای آمادگی جسمانی شامل: قدرت، استقامت، چابکی و هماهنگی می باشد (نائینی، ۱۳۸۵: ۱۴۹-۱۴۸)

فرمانده و آموزش ستاد

فرصت های آموزش یگان در مراکز آموزش رزم از قبیل برنامه آموزش، فرماندهی نبرد یا مرکز

آموزش آمادگی عمومی برای حفظ مهارت ستاد و فرمانده یگان، بسیار نادر است. بنابراین، این مسئولیت فرمانده است که ستاد و فرماندهان تحت امر خود را به گونه ای آموزش دهد تا به صورت یک تیم منسجم عمل کنند. فرمانده باید به طور مداوم نیازهای آموزشی ستاد را تعیین کرده و یک برنامه آموزش طرح ریزی و اجراء نماید و نتایج را ارزیابی کند. این موضوع تأثیر آموزش بر فرآیند تصمیم گیری نظامی را مورد بحث قرار می دهد.

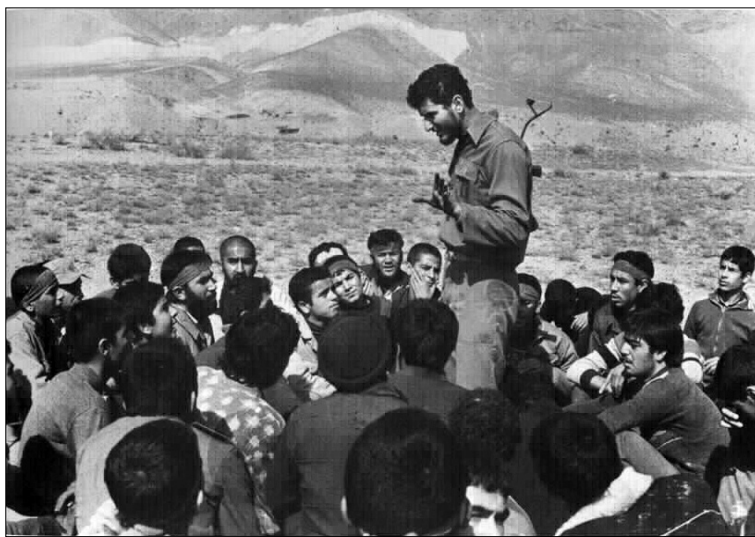
۱. اصول کلی:

فرمانده و ستاد وی باید یک تیم منسجم باشند. ستاد باید به منظور ارائه طرح های جامع و هماهنگ با هدایت فرمانده، دکترین نیروی زمینی را به خوبی درک کرده و نظرات فرمانده را پیش بینی نماید. چالش های فرماندهی در حین نبرد، مستلزم آموزش دقیق فرمانده و ستاد در امر تصمیم گیری، برآورد روش ها، مدیریت اطلاعات، آماده سازی دستورها و تمرینات می باشد. رابطه بین ماموریت های یگان و لیست وظایف ضروری مأموریت، بر آموزش فردی و جمعی یک یگان تأثیر دارد. فرمانده، لیست وظایف ضروری مأموریت ستاد برای آموزش را مطابق آئین نامه رزمی تهیه می کند. (نائینی، ۱۳۸۵: ۴۲۷) فرمانده با ارائه موقعیت هایی به ستاد که طی آن ستاد باید فرآیند کامل تصمیم گیری نظامی یا فرآیند اختصاری تصمیم گیری نظامی را صورت دهد، آموزش ستاد را سازماندهی می نماید. فرمانده سئوالاتی را برای اعضای ستاد مطرح کرده و از آنها می خواهد برای پاسخ خود توضیحات کاملی را ارائه کنند. سپس فرمانده درستی و عمق اندیشه و تولیدات آنها را مورد ارزیابی قرار می دهد.

فرمانده با قرار دادن آموزش براساس موقعیت های فرضی یا طرح های جنگ واقعی، در مأموریت های رزمی فردی یا جمعی از این روش برای آموزش ستاد استفاده می کند. این آموزش به

میزان آمادگی نیروها تنها با جذب نیروهای کیفی و ایجاد یک سیستم آموزشی موثر می تواند به سطح قابل اطمینانی ارتقاء یابد

پس از آموزش مقدماتی، فرمانده باید با استفاده از فرآیند تصمیم‌گیری نظامی، ستاد را تمرین دهد. آموزش باید درجه داران و افسران غیرکادر را با هم هماهنگ کند. آنها در صورت آموزش صحیح می‌توانند نقش مهمی در فرآیند داشته و در وقت افسران ستاد صرفه جویی چشم‌گیری صورت دهند (نائینی، ۱۳۸۵: ۴۳).



۲. تکنیک‌ها:

فرمانده برای ارائه پوشش ناظر و کنترل‌کننده، از یگان‌های هم‌رده در خواست پشتیبانی می‌نماید. فرمانده و ستاد، طرح‌ها و دستورات زیادی را برای فعالیت‌های روزانه در فرآیند طرح‌ریزی هماهنگ می‌کنند. این امر باید شامل ایجاد دستوراتی برای عملیات‌های وسیع، تغییر مراسم‌های فرماندهی، و نیز دستوراتی برای آغاز تمرینات فرماندهی و دکترین و آموزش زمینی باشد. فرمانده و ستاد در حین انجام تمرین‌های طرح‌ریزی، باید مشخص کنند چه ابزارها و جداول طرح‌ریزی را برای هماهنگ کردن با روش جدی عملیاتی خود نیاز دارند. در حین این آموزش، یگان نیز باید روش جاری عملیاتی طرح‌ریزی خود را ایجاد و اصلاح نماید. هنگامی که یگان، هدایت آموزش سه ماهه را تهیه می‌کند، باید یک طرح عملیاتی یا دستور عملیاتی را نیز تهیه و صادر نماید (نائینی، ۱۳۸۵: ۴۳۰ و ۴۳۱).

این دستور می‌تواند به عنوان سناریوی مشترک یگان‌های تحت امر برای تمرین فرآیند تصمیم‌گیری در نظر گرفته شود. آنها می‌توانند از این دستور برای اعمال

فرمانده و ستاد کمک می‌کند قدرت تفکر را افزایش دهند، آموزش اضافی مورد نیاز ستاد را ارزیابی نمایند، درک چگونگی تفکر و عملکرد فرمانده را افزایش دهند، انسجام را بیشتر کرده و روحیه، اعتماد و اطمینان را افزایش دهند (نائینی، ۱۳۸۵: ۴۲۸). مهارت‌های ستادی غالباً طی فعالیت‌های آموزشی چند رده‌ای آموزش داده می‌شوند. فرمانده باید اطمینان یابد که تمرین‌های چند رده‌ای به آموزش مفید ستاد منجر می‌شود.

فرمانده باید ستاد را از وظایف اداری که مانع آموزش آنها می‌شود، معاف دارد. اگر ستاد در فرآیند تصمیم‌گیری نظامی، آغاز شود؛ این کلاس‌ها برای این است که تضمین کند تمامی پرسنلی که در فرآیند طرح‌ریزی شرکت می‌کنند، فرآیند رسمی را درک کرده‌اند. این آموزش باید دربرگیرنده یگان‌های پشتیبانی که احتمالاً در فرآیند شرکت می‌کنند باشد. این آموزش به فرمانده اجازه می‌دهد فرآیند طرح‌ریزی را برای یگان عادی کرده و به جریان بیاورد. در طی این آموزش، ستاد باید مأموریت و مسئولیت‌های تمامی افراد را معین کند. تکرار این آموزش بستگی به آشفستگی پرسنل خواهد داشت. (نائینی، ۱۳۸۵: ۲۹)

داشتن ویژگی‌ها و شرایط طبیعی و ذاتی، دوم کسب ویژگی‌های اکتسابی. در هر دو مورد، آموزش نقش بسیار مهم و پراهمیتی دارد. هرچند علمای نظامی اعتقاد دارند بعضی از ویژگی‌ها ذاتی است، و درست هم هست، اما این ویژگی‌ها و استعدادها زمانی بروز می‌کند که این استعدادها شناسایی شوند و از طریق آموزش، شکوفا شوند. فرمانده حتی اگر دارای استعدادهای ذاتی هم باشد، اگر در معرض آموزش‌های مختلف نظامی قرار نگیرد، قطعاً نمی‌تواند از آن استعداد ذاتی بهره لازم و کافی را ببرد و این استعدادها هدر خواهد رفت. ویژگی‌های اکتسابی باید از طریق آموزش و تجربه کسب شوند. در مرحله اول، آموزش در ردیف جلوتر قرار می‌گیرد و پس از این مرحله، تجربه حرف اول را خواهد زد. این ویژگی‌ها و توانمندی‌ها در آموزش‌های مختلف طولی و عرضی به فرمانده آموخته می‌شود. پس از هر مرحله از آموزش، فرمانده باید متناسب با درجه ورده خود، برای احراز پست فرماندهی یک تیم تکاور تا فرمانده یک منطقه دریایی و یا یک لشکر آماده باشد (سلمانی: ۲۰).

استاد وانگ در خصوص امر آموزش برای فرماندهان می‌گوید: اگر افسران در معرض یک تمرین جدی قرار نگیرند، در جنگ، دل‌نگران و مردد خواهند بود. اگر فرماندهان به طور کامل ورزیده نباشند و در قالب درجه و مقام خود شکل نگرفته باشند، در برابر دشمن، احساس تزلزل نموده و برای قبول شکست آمادگی خواهند داشت.»

در جریان نبرد، فرماندهی موفق و پیروز خواهد بود که به سه نوع شناخت مسلط باشد. اول شناخت دشمن، دوم شناخت منطقه عملیاتی (جو، زمین و دریا) و سوم شناخت خود. این عوامل در دانشکده‌های نظامی به بهترین وجه تدریس می‌شود و آنچه نقش تجربه را حائز اهمیت می‌کند ویژگی فرمانده در کسب علوم نظری و تجربی است. فرمانده برای پیروزی بر دشمن باید به

فرآیند تصمیم‌گیری نظامی و کار بر روی اختصار این فرآیند در محدوده‌های زمانی استفاده کنند. این تکنیک نه تنها برای یگان‌های تحت امر یک فرصت آموزش به وجود می‌آورد بلکه به ستاد اجازه می‌دهد فرآیند را تمرین کرده و تمام هماهنگی‌های افقی و عمودی لازم را صورت دهد (نائینی، ۱۳۸۵: ۴۳۲).

نقش آموزش در عملیات

آموزش، پایه و اساس اجرای هر عملیات است و در صورت فقدان آن، اجرای طرح‌های عملیاتی با موفقیت همراه نخواهد شد. یک آموزش مناسب از حیث کمی و کیفی دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. آموزش باید مبتنی بر عمل و منطق با واقعیت‌ها باشد و در شرایط جدی مختلف به مرحله اجراء درآید.
۲. بهره‌مندی از آموزش صحیح باعث اعتماد به نفس، سرعت عمل، استفاده صحیح و موثر از سلاح و تجهیزات، افزایش

سطح روحیه و شجاعت نیروی رزمنده در اجرای ماموریت محوله خواهد شد.

۳. عدم آموزش نیروهای نظامی، موجب استفاده ناصحیح از امکانات و جنگ افزارها، ترس، دستپاچگی و تضعیف روحیه مقاومت و ایثار در برابر دشمن شده و سرانجام شکست را به دنبال خواهد داشت (کیانی، ۱۳۸۴: ۳۲۱).

فرماندهی و رابطه با آموزش

با ارائه تعاریف مختلف از فرماندهی و همچنین ویژگی‌های فرمانده و نقش‌های آن از دیدگاه‌های مختلف، در مجموع دو نتیجه حاصل می‌شود: اول

آموزش، پایه و اساس
اجرای هر عملیات است و
در صورت فقدان آن، اجرای
طرح‌های عملیاتی با
موفقیت همراه نخواهد شد

صحنه نبرد و با حضور یگان های عمل کننده به تمرین می پردازد. در این مرحله، تمرین حالت جدی تری به خود می گیرد. پس از کسب آمادگی در مرحله دوم، آموزش در صحنه و با حضور نیروهای فرضی دشمن صورت می گیرد.

این تمرین، کامل ترین شکل تمرینات می باشد زیرا که دو فکر نظامی و خلاق، در مقابل همدیگر و دو یگان با دو هدف متفاوت که رسیدن یکی از آنها به اهداف مساوی شکست یگان دیگر است، در برابر هم قرار می گیرند. اینجاست که فرد، فنون مختلف فرماندهی را می آموزد و فرمانده می شود. (سلمانی: ۲۱-۲۲)

فرمانده فقط به امورات رزمی نمی پردازد بلکه به عنوان یک مدیر، باید به ابعاد مختلف فرآیندهای مدیریتی اعم از برنامه ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل تسلط لازم را داشته باشد. یادگیری این فرآیندها در مرحله اول آموزش کسب می شود و در مرحله عمل، تجربه نیز به کمک او خواهد آمد. برای افزایش اثربخشی و کارایی فرمانده، آموزش ضرورت دارد. (سلمانی: ۲۱-۲۲)

بهره وری و آموزش

عده ای بر این عقیده اند پیشرفت تکنولوژیکی موجب بهره وری می شود، که آن نیز از عواملی چون تاریخ، فرهنگ، آموزش، نهادها، سیاست های دولت و نحوه ارتباط با دنیای خارج تأثیر می پذیرد. به عبارتی، آموزش را به عنوان طریقه ای برای فائق آمدن بر مشکلات زندگی و به منزله عاملی برای رسیدن به زندگی بهتر معرفی می کنند. (رستمی: ۱۴)

بهره وری در مراکز آموزشی (نظامی):

برای کشف شاخص های اساسی در امر آموزش



ابتکار دست بزنند و از زمان و مکان به بهترین نحو استفاده کند. چون صحنه نبرد (اعم از زمان، مکان، دشمن و ...) به صورت دقیق قابل شناخت نیستند، فرمانده باید در معرض تمرینات سخت قرار گیرد. او باید در بدترین شرایط آب و هوایی تمرین کند. در سناریو و صحنه پردازی، باید دشمن قوی در مقابل او قرار گیرد و زمان برای آماده شدن او کمتر در نظر گرفته شود تا او بتواند از حداقل زمان تمرین، حداکثر استفاده را بنماید. پیشرفت تکنولوژی باعث شده، نبردهای آینده متفاوت از جنگ های گذشته باشند (سلمانی: ۲۱).

ایجاد و تقویت فکر تاکتیکی و خلاق، در آموزش های روی نقشه و سپس در آموزش های صحنه نبرد به صورت عملی می باشد. در تمرینات روی نقشه با دادن متغیرهای صحنه نبرد، فرمانده با راهنمایی استاد در مقابل آن متغیرها تصمیم لازم را اتخاذ می کند و پس از کسب آمادگی لازم، در



غیرنظامی را مدیون مهارت ها و توسعه آنها دانست. هیچگونه رشد و توسعه‌ی در اقتصاد، سیاست، اجتماع، نظامی و ... را بدون در اختیار داشتن نیروی انسانی ماهر (در همه زمینه‌های مورد نیاز) نمی‌توان انتظار داشت (رستمی: ۱۶ - ۱۷).

مهارت فنی در رزم:

مهارت فنی، یک برتری قطعی برای نیروهای نظامی است. برای این منظور باید مهارت‌های اصلی سربازی را از نو تعریف کرد و پایه‌های شروع به کار یک برنامه آموزشی برای هر سرباز را تعریف کرد. باید مقررات میدانی استاندارد ایجاد نمود. انضباط باعث غرور در یگان می‌شود؛ بنابراین انضباط باید با سخت‌گیری همراه باشد.

مهارت‌های تاکتیکی^۱:

ژنرال ماتیو بی. ریچ وی، رئیس اسبق ستاد ارتش آمریکا، می‌گوید: «نیروی انسانی هست و همیشه می‌خواهد باشد، عنصری عالی در رزم و بالاتر از مهارت، شجاعت، شکیبایی و قدرت و جنگیدن سربازان، به نتیجه آموزش بستگی دارد.» اصولاً مهارت‌های تاکتیکی را به دو رتبه اصلی تقسیم می‌کنند: ۱. دکترین^۲. ۲. حيله جنگی^۳ نیروهای نظامی، تخصص در حيله‌های جنگی

(در مراکز آموزشی و به‌ویژه در مراکز آموزش نظامی) باید به عوامل اساسی‌تری اشاره کرد. عمده‌ترین شاخص بهره‌وری در مراکز آموزش، رسیدن به «مهارت» است. بحث مهارت، هسته اصلی بهره‌وری در آموزش است و برای همه مراکز آموزشی (نظامی و غیرنظامی) قابل تعمیم است. هر آموزشی اعم از تخصصی و عمومی (انفرادی و پایگانی) باید به مهارت آموزش دیدگان منجر گردد. دستیابی به مهارت، از سه طریق امکان‌پذیر است: الف) تجربه ب) آموزش ج) تمرین.

ب) آموزش: رکن اساسی برای افزایش مهارت‌ها (چه به صورت ابتداء به ساکن، تکمیلی، فردی و یا گروهی) آموزش است. آموزش فرآیندی است که طی آن، فرد و گروه از نظر کسب مهارت‌های لازم برای انجام ماموریت‌ها، وظایف و نقش‌های خود، به درجات بالاتری دست پیدا می‌کنند. در طی روند آموزش است که فرد (و جمع) به دانش مورد نیاز خود در راستای کسب مهارت متناسب با شغل خود دست یافته و وارد مراحل بالاتری از حوزه عمل و انجام ماموریت می‌شود. از این روست که باید کلیه پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی در زمینه‌های نظامی و

مالی و تشکیلاتی و آموزشی رژیم عراق انجام شد. (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: ۷۹)

دولت عراق «دهها جاسوس و تروریست را پس از طی دوره‌های آموزشی در عراق» و دادن «پول و امکانات به خوزستان» گسیل داشت (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: ۸۰). اکثر این عوامل دستگیر شدند و اعتراف نمودند که از طرف عراق تجهیز و حمایت شده و مستقیماً توسط کارشناسان خرابکاری و تروریستی آن کشور آموزش دیده‌اند (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۴۶۵).

عراق توسط

«سازمان‌های بخشی خوزستان» تعدادی از افراد نظامی و غیرنظامی را که مخالف جمهوری اسلامی بودند از ایران خارج کرد و پناه داد و به وسیله آنان «در پایگاه سلیمانی» به «عده کثیری از وابستگان رژیم سابق و سلطنت طلبان» آموزش نظامی داد و

موجبات ناآرامی بیشتر را در مرزهای ایران فراهم نمود (تحلیلی بر جنگ تحمیلی: ۱۹). جبهه التحریر، مقری را در بغداد در اختیار داشت و از تسهیلات رادیویی دولت عراق برخوردار بود (جعفری ولدانی، ۱۳۷۷: ۹۸-۹۹).

در اواخر سال ۱۹۸۰، عراق در حدود ۲۲۵۰۰۰ نفر پرسنل نظامی زن و مرد در اختیار داشت که حداقل دو سوم این نیرو آموزش نظامی محدودی دیده بودند. ارتش عراق حدود ۱۹۰۰۰۰ نفر نیروی تحت خدمت به اضافه ۲۵۰۰۰۰ نفر نیروی ذخیره داشت که بسیاری از آنها فاقد آموزش ضروری

را از طریق آموزش، مطالعه کردن و تمرین کسب می‌کنند.

فرماندهان نظامی، نخستین آموزش دهندگان تاکتیکی برای افراد و تیم‌ها می‌باشند. تمرین مهارت‌های تاکتیکی اغلب چالش‌زا است. بهترین راه برای بهبود مهارت‌های فردی و جمعی (یگانی)، همپوشی وضعیت‌های عملیاتی است. یک مشکل عمده این است که فرماندهان همیشه نمی‌توانند تمام واحد را برای تمرین مانورها در میدان به کار بگیرند. لذا به صورت جداگانه به آنها آموزش می‌دهند. (رستمی: ۲۳)

آنها گاهی نمی‌توانند افراد، زمان و پول را با هم در زمان و مکان مناسب برای آموزش تمام نیروها (یا تیم‌ها) فراهم آورند. همیشه آشفتگی‌های آموزشی وجود دارد. همیشه صدها نوع دستاویز برای عدم یکپارچگی آموزش وجود خواهد داشت و یک دلیل که چرا چنین آموزش‌هایی باید اجراء شود، این است که واحدها همانگونه که آموزش دیده‌اند، می‌جنگند. (رستمی: ۲۳-۲۴)

فرایند آموزش در جنگ ایران و عراق

به دنبال طرح مباحث تئوریک در زمینه آموزش، در این مرحله ضرورت دارد به موارد کاربردی در زمینه آموزش در طول هشت سال دفاع مقدس در اردوگاه‌های نظامی عراق و ایران بپردازیم.

آموزش نظامی در ارتش عراق

دولت عراق پیش از حمله به ایران، در سراسر خوزستان از جمله اهواز و خرمشهر به تشکیل سازمان‌ها و گروه‌های علنی و مخفی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی مبادرت ورزید. «مراکز فرهنگی خلق عرب مستقیماً از کنسولگری عراق در خرمشهر تغذیه و رهبری می‌شد.» تأسیس سازمان «جبهه التحریر العربستان» - جبهه آزادی بخش عربستان (خوزستان) - با کمک‌های

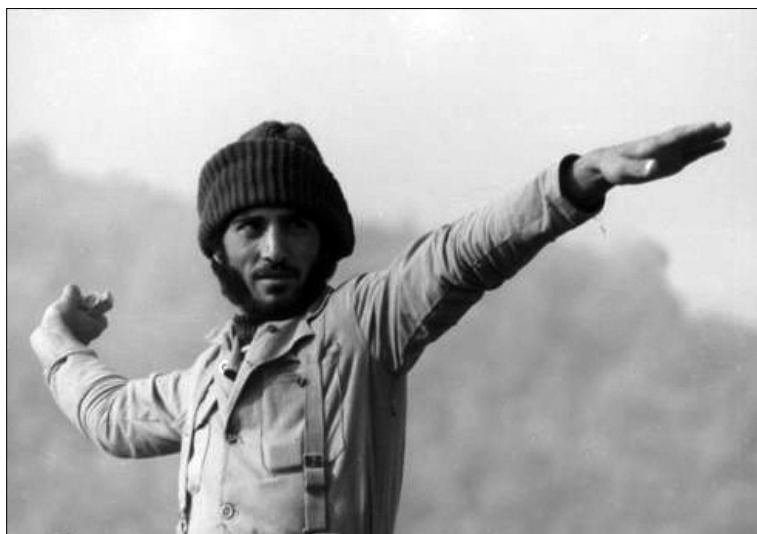
آموزش

باید مبتنی بر عمل

و منطبق با واقعیت‌ها باشد

و در شرایط جدی مختلف

به مرحله اجراء درآید



برای بکارگیری سلاح‌های جدید برای هر نوع جنگ تهاجمی بودند. نیروهای عراق به شدت سرگرم پاکسازی مناطق کردنشین در شمال شرقی این کشور بودند و تنها یک لشکر از چهار لشکر زرهی و دولشکر از شش لشکر پیاده آن به صورت کارآمد برای جنگ‌های مدرن سازمان‌دهی شده بودند... جیش الشعبی یک نیروی

(۵۹: ۱۳۸۰)

اقدامات عراق برای تأمین نیرو:

عراق برای مقابله با یورش‌های ایران، اقدامات وسیعی را جهت افزایش توان نیروی انسانی خود انجام داد.

برای تحقق این امر، عراق در زمینه توسعه سازمان، به تأسیس سپاه یکم ویژه با ۳ لشکر و ۹ تیپ و تیپ مستقل ۸۲ پیاده اقدام نمود. عراق، لشکر گارد را نیز در حد ۳ لشکر به نام «سپاه گارد» گسترش داد و یک تیپ مستقل دیگر نیز تأسیس کرد و برای تأمین نیروهای مورد نیاز این یگان‌ها، علاوه بر استخدام رسمی، اقدامات دیگری نیز انجام داد: فراخوان افراد ۱۴ تا ۱۸ ساله و یگان‌های جیش الشعبی، فراخوان افراد ۱۸ تا ۳۸ ساله برای آموزش جهت اعزام به یگان‌های ارتش، اعزام دانش‌آموزان پس از امتحانات، فراخوان همه نیروهای احتیاط تا سن ۴۲ ساله، اعزام ۳۵۰ هزار دانشجو به اردوگاه‌های آموزشی و تعطیل کردن دانشگاه‌ها از جمله این اقدامات بود (فوزی و لطف‌الله زادگان، ۱۳۷۸: ۲۰-۲۱).

نظامی‌بعثی بود که در سال ۱۹۷۰ پایه‌ریزی شد و بعد از سال ۱۹۷۵، که رهبری حزب بعث متقاعد گردید احتمالاً با مخالف‌هایی در نیروهای مسلح مواجه خواهد شد، گسترش یافت. جیش الشعبی، امکان آموزش نظامی را برای تمامی اعضای ذکور حزب بین ۱۸ تا ۴۵ سال فراهم کرد. زمانی که جنگ با ایران آغاز شد، این گروه در حدود ۲۵۰۰۰۰ نیروی آموزش دیده در اختیار داشت. عراق یک نیروی «پیشقراول» نیز داشت که حدود ۲۸۵۰۰۰ جوان ۹ تا ۱۶ ساله را شامل می‌شد. آموزش ارکان سیاسی این نیرو بسیار قوی‌تری از عناصر نظامی داشت (کردزمن، ۱۳۸۹: ۸۹).

بسیاری از فرماندهان و افسران با کفایت ارتش عراق به دلیل دخالت در سیاست و عدم پیوستگی به صدام حسین تصفیه شدند. همچنین تعداد هیئت‌های اعزامی از افسران عراقی به خارج از کشور برای فرا گرفتن آموزش‌های تخصصی به شدت کاهش یافت. این امر، نیروهای مسلح را از اندیشه‌های نظامی و روش‌های آموزشی جدید در کشورهای پیشرفته، محروم ساخت. (ابوغزاله،

تمهیدات آموزشی نیروهای مسلح ایران

بعد از تسخیر سفارت آمریکا، نظام انقلابی ایران بسیج نیروها را آغاز کرد. در ۱۰ دسامبر (۱۹۷۹) (۱۹ آذر ۱۳۵۸) امام خمینی (ره) از جوانان ایران خواست در قالب «ارتش ۲۰ میلیونی» سازماندهی شوند. این فراخوانی، به سرعت باعث بسیج سریع حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر شد. این نیروها بین واحدهای ارتش و سپاه که نیروی انسانی آموزش دیده نیاز داشتند، تقسیم شدند (کردزمن، ۱۳۸۹: ۸۶-۸۷). آموزش نیروهای نظامی ایران به دو بخش عمومی و تخصصی تقسیم می شد.

آموزش های عمومی:

کلیه رزمندگان یک دوره آموزش عمومی را می گذرانند. با توجه به اهمیت اصل رعایت حفاظت اطلاعات عملیات، نیروها مجبور بودند کلیه فنون نظامی و روش های جنگ های مختلف را بیاموزند تا از نوع آموزش ها مشخص نشود عملیات آینده در چه منطقه ای و موقعیتی خواهد بود. در این راستا براساس دستورالعملی که وجود داشت مقرر شده بود برای هماهنگی در امر آموزش نیروها:

۱. این طرح بنا به دستور قابل اجرا باشد،
۲. از لحاظ استقرار نیروهای سپاه و بسیج در کنار یگان های نظامی، حداکثر هماهنگی و همکاری در امر آموزش، سازماندهی و شناسایی صورت گیرد،
۳. یگان ها نسبت به افزایش قدرت جسمانی و همچنین تکمیل آموزش پرسنل توجه ویژه ای مبذول دارند،
۴. یگان ها عملیات خود را به نحوی طراحی نمایند که احتیاط مناسبی را در خلال عملیات در اختیار داشته باشند،
۵. یگان ها در مورد کاربرد مواد شیمیایی توسط دشمن پیش بینی لازم را به عمل آورده و در فرصتی

که در اختیار دارند به اندازه کافی به پرسنل آموزش دهند (شاهین زاد، ۱۶۴: ۱۳۸۲-۱۶۵).

در این راستا، ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی بخشنامه ای در مورخه ۶۰/۸/۷ به واحدهای آموزش مناطق نه گانه سپاه درخصوص چگونگی آموزش، نکاتی را به شرح ذیل ابلاغ می کند:

«خواهشمند است موارد مشروحه در ذیل را عنیناً در اختیار نماینده تام الاختیار شورای عالی سپاه در آن منطقه قرار دهید:

۱. کلیه نیروهای بسیجی آموزش دیده جمع آوری و سازماندهی شوند،
۲. در اجرای بخشنامه فرماندهی، به واحد آموزش کمک کنند تا بتواند نیروهای فعال را به این واحد مأموریت نماید،
۳. نیروهای آموزشی که هر دوره ظرف ۱۵ روز است باید براساس گروه ها و دسته های

رزمی سازماندهی و آموزش داده شوند،

۴. به آموزش تاکتیکی در دشت و کوهستان بیشتر توجه کنند و از مربیان ارتشی نیز حتی المقدور کمک بگیرند. (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند ۵۸۰۲۴)

آموزش های تخصصی:

آموزش این مرحله، ویژه و پیچیده تر بود. این بخش در واحدهای تخصصی صورت می پذیرفت. تشکیل گردان های زرهی و همچنین سایر واحدهای دیگر در سازمان رزم سپاه ایجاب می کرد

بهره مندی از آموزش

صحیح باعث اعتماد به

نفس، سرعت عمل و

افزایش سطح روحیه و

شجاعت نیروی رزمنده در

اجرای ماموریت محوله

خواهد شد

باید آنها را برطرف می‌کردیم. خیلی از نیروها سابقه آمدن به جبهه را نداشتند و بعضی‌هاشان اعزام مجددی بودند. باید به آنها آموزش می‌دادیم؛ بنابراین مقرر کردیم خدمه باسابقه نفربرها که قبلاً آموزش دیده بودند، این نیروها را آموزش دهند. همچنین برای نیروها (در پادگان محل استقرار) دوره آموزشی برگزار کردیم. دو مانور در منطقه برگزار شد. از زمانی که در شاکریه (شمال سوسنگرد) مستقر شدیم، کار آموزش تداوم پیدا کرد.»

سه نفر خدمه نفربرها یعنی راننده، توپچی و کمک آنها به آموزش مخصوص نیاز داشتند. نفربرهایی که دارای راننده بودند دوره آموزش رانندگی را در پادگان آموزشی در حوالی اهواز دیده بودند. در میان آنها افراد زنده‌ای بودند که قبلاً دوره‌های مختلف آموزش زرهی را پشت سرگذاشته بودند و از سیستم فنی و کار نفربرها اطلاعات جامعی داشتند. نفرات گروهان‌ها به صورت روزانه، تمرین سوار و پیاده شدن و نحوه برقراری ارتباط را انجام می‌نمودند. فرماندهان یگان‌ها نیز بر پیشرفت برنامه‌های آموزشی نظارت داشتند.

فرمانده یگان زرهی سپاه در این خصوص می‌گوید: «نیروها برای عملیات آماده شدند و آموزش‌ها بر همان اساس بود. رانندگی تانک و نفربرها مشکل نبود، آنچه باید آموزش داده می‌شد، کار روی نفربر بود و اینکه چگونه از آن در رزم استفاده شود. اگر نیروها این آموزش‌ها را خوب یاد نمی‌گرفتند، به خصوص در نفربرهای آبی - خاکی که سیستم‌های شناوری محفظه‌های موتور را می‌بست، شاید خسارت هم به بار می‌آوردند. کار مداوم با نفربر و تجهیزات جنگی، تیراندازی با توپ و تیربار عمده‌ترین کارهای فراگیری بود. قرار شد نفربرها را در منطقه رملی آزمایش کنیم. برای این کار، فرماندهان عملیات را

آموزش‌های لازم برای افراد داده شود. با توجه به اینکه عمده عملیات ایران در قالب عملیات‌های آبی - خاکی بود؛ بنابراین، آموزش‌های تخصصی نیز در محل خاصی که دارای وضعیتی مشابه منطقه اصلی عملیات باشد، صورت می‌گرفت. آشنایی به شنا، قایقرانی، جنگ در آب و جنگ تن به تن و ... شکل گسترده و در عین حال فشرده‌ای به دوره‌های آموزش یگان‌ها می‌بخشید. این فشرده‌گی، در روزهای اول آموزش پس از یکی دو روز، رمل را از نیروها گرفته و آنان را دچار خستگی و کوفتگی می‌کرد.

هدف این بخش از آموزش منطبق بر وظایف، شرایط و معیارهای آموزشی بود و نشان می‌داد افراد چگونه باید تجهیزات، تسلیحات و امکانات خود را در حین عملیات به کار ببرند. این آموزش‌ها در واحدهای زرهی، غواصی، ادوات، تخریب، مخابرات و

در جریان نبرد، فرماندهی موفق و پیروز خواهد بود که به سه نوع شناخت مسلط باشد. اول شناخت دشمن، دوم شناخت منطقه عملیاتی و سوم شناخت خود

سایر بخش‌های دیگر در نظر گرفته شد.

آموزش زرهی:

حساس‌ترین بخش، واحد زرهی بود. این نوع از آموزش در ارتش براساس برنامه‌های آموزشی ثابت از قبل پیش‌بینی شده بود، اگر چه انجام مانورها در مناطقی که وضعیت مشابهی با محل نبرد داشت نیز ضرورت داشت و تا اندازه‌ای مورد توجه قرار می‌گرفت؛ اما در سپاه وضع تفاوت داشت. آقای فتح‌الله جعفری، فرمانده یگان تازه تأسیس زرهی سپاه، در اینباره می‌گوید: «در حین آمادگی رزم، متوجه نقاط ضعفی شدیم که

دو روز متوالی تیرانداز و کمک تیرانداز توپ، تیراندازی‌های عملی خود را انجام دادند و در مجموع، آموزش ۷ روزه علمی و عملی خدمه‌ها پایان یافت (شاهین زاد، ۱۳۸۲: ۱۵۲-۱۵۳). منطقه شادگان برای اجرای آموزش و آماده شدن گردان برای عملیات، محل زیاد مناسبی نبود. بنابراین، برنامه ریزی گردان برای آموزش، استراحت و بازسازی به شرح زیر تعیین گردید: یک سوم پرسنل حداکثر به مدت ۷ روز به مرخصی اعزام شدند. دو سوم باقیمانده، طبق برنامه آموزش تنظیم شده از

سوی گردان به آموزش پرداختند. از نظر تیراندازی با انتخاب و تعیین میادین تیر برای سلاح‌های اجتماعی و انفرادی پس از هر هفته آموزش، خدمه سلاح‌ها تیراندازی مربوطه را عملاً تمرین می‌کردند. من که در منطقه شادگان بودم هرچند رو یک بار به اردوگاه ساحل

بعضی از ویژگی‌ها ذاتی است، اما این ویژگی‌ها و استعدادها زمانی بروز می‌کند که این استعدادها شناسایی شوند و از طریق آموزش، شکوفا شوند

رودخانه جراحی می‌رفتم و از پیشرفت آموزش و اجرای برنامه‌های تنظیمی بازدید می‌کردم.» (شاهین زاد: ۱۳۸۰: ۱۵۱)

آموزش واحدهای اطلاعات عملیات:

شرایط پیچیده عملیات‌ها، ایجاب می‌کرد نیروهای واحد اطلاعات و عملیات با جدیت و اهتمام بیشتری برای شناخت دشمن اقدام کنند. این کار بدون آموزش و تربیت نیروهای زبده و جسور امکان‌پذیر نبود. براساس برنامه منظمی که تنظیم و اجرای آن به صورت عمده متوجه آقای حسن باقری، معاون اطلاعات عملیات منطقه جنوب بود،

دعوت کردیم. نفربر را به سمت تپه‌های اصلی الله اکبر حرکت دادیم، نفربرها در جایی که رمل شیب رو به بالا داشت، برای حرکت با مشکل مواجه می‌شدند. به همین خاطر، حرکت آنها را طوری را تنظیم کردیم که شنی شان درنیاید. نفربرهای ام - ۱۱۳ به علت وجود سیستم انتقال نیروی هیدرولیکی می‌توانستند بیش از ده برابر نفربرهای دیگر در رمل حرکت کنند و فضای مناسب تری هم برای انتقال نیرو و امکانات و مهمات داشتند.

از تاریخ ۵۹/۸/۱۴ تلاش گردان‌ها برای سازماندهی نیروها به صورت پیاده - مکانیزه شروع شد. ابتدا باید خدمه نفربرها سازماندهی می‌شدند. راننده نفربرها، دوره رانندگی مربوطه را در مراکز آموزشی شیراز طی کرده بودند و بایستی هر کدام نفربر خود را تحویل می‌گرفتند. در قدم اول به هر یک از راننده‌ها یک دستگاه نفربر زرهی تحویل شد و شماره آن مشخص گردید. برای خدمه توپ‌ها از میان سربازان جدید که اکثراً باسواد بودند، تعداد ۵۷ نفر انتخاب شدند؛ اما برای آموزش آنان مربی نداشتیم، موضوع را با قرارگاه اروند مکاتبه نمودیم. قرارگاه، سرگرد رمضانعلی کریمی را، که از اساتید و مربیان معروف دانشکده زرهی بود، برای آموزش به گردان معرفی نمود.

با حضور سرگرد کریمی در منطقه، تجمع گردان شروع گردید. او از مسائل فنی و سیستم کاری نفربرها اطلاعات بسیار جامعی داشت به طوری که با حضور ایشان در گردان، مشکلات فنی نفربرها نیز برطرف گردید. چون در طول روز چندین ساعت آموزش برگزار می‌شد طولی نکشید که نیروهای تعیین شده از نظر علمی توجیه شدند؛ اما لازم بود عملاً با توپ‌های نفربرها تیراندازی کنند. برای این منظور، محلی در سه راهی شادگان که برای تیراندازی مناسب بود در نظر گرفته شد. تعدادی هدف با بشکه‌های ۲۲۰ لیتری که از خاک پر شده بود در مسافت‌های مختلف قرار داده شدند.

و جایگزینی آنها، هر منطقه نصف افرادی که به او داده شده را از بین محافظین آموزش ندیده جهت آموزش به مرکز اعزام خواهد کرد. پرسنلی پس از دو ماه، ۱۰۰ نفر دیگر به ترتیب ذکر شده فوق از مناطق نه گانه به حفاظت معرفی خواهد نمود که در مجموع این ۲۰۰ نفر به مدت ۴۶ روز تحت آموزش قرار خواهند گرفت و سپس به مناطق اعزام خواهند شد.

تبصره ۱: تدارکات موظف است تمامی وسایل و تدارکات لازم را برای آموزش و نیز انجام مأموریت های پس از آموزش در اختیار قرار دهد.
تبصره ۲: آموزش موظف است برای تأمین نیروی لازم و برنامه ریزی جهت آموزش به ترتیب فوق در مهلت های مقرر اقدام لازم را انجام دهد.
تبصره ۳: آموزش می تواند از بین افراد آموزش دیده به تعداد مورد نیاز از بین زبده ترین افراد برای فراگرفتن دوره های کمک مربیگری انتخاب نماید.
تبصره ۴: چنانچه آموزش نیاز داشته باشد حفاظت و اطلاعات موظف است مربی های لازم را برای آموزش حفاظتی در اختیار آموزش قرار دهد.
مرکز اسناد دفاع مقدس: سند شماره ۱۸۷۹۵۳
آموزش واحد تخریب:

واحد تخریب برای ایجاد معابر و پاکسازی میادین مین از اهمیت فراوانی برخوردار بود. از آنجایی که نیروهای ارتش عراق در آن مقاطع از انواع سیم خاردار (حلقوی، عنکبوتی و ...) برای ایجاد موانع استفاده می کردند؛ نیروهای خودی نیز درصدد برآمدند همان نوع میادین و موانع را شبیه سازی کنند و افراد گردان های حاضر در صحنه نبرد را برای فراگیری فنون و شیوه های مقابله با مواد و تسلیحات تخریبی و پاکسازی مناطق آلوده، آموزش دهند. از این رو، آموزش ها به صورت تئوری و عملی انجام می شد تا افراد واحد تخریب در خنثی سازی انواع و اقسام مین ها کاملاً کارآموده شوند و مسیر را برای عبور آماده سازند.

این مهم میسر گردید. همزمان با پیشبرد امر آموزش نیروهای جدید ارتش و سپاه، فعالیت عناصر اطلاعاتی واحدهای شناسایی نیز به مراحل کیفی تر ارتقاء داده شد. به گونه ای که آنان با فراگیری تجارب ارزنده ای از فرماندهان و مربیان خود، آماده حضور در محدوده منطقه عملیاتی و کسب اخبار و اطلاعات لازم برآمدند.

در کنار واحد اطلاعات عملیات، تربیت نیرو و آموزش واحدهای حفاظت نیز از اهمیت فراوانی برخوردار بود. با توجه به وظیفه خطیری که سپاه پاسداران برای حفظ آرمان های انقلاب و محافظت از شخصیت های کشور برعهده داشت، واحد حفاظت از اهمیت خاصی برخوردار بود. در ذیل به یکی از اسناد موجود درباره نحوه آموزش در این واحد می پردازیم. براساس این سند، واحد حفاظت با تهیه نامه ای به انضمام طرح آموزش محافظین (طرح پیشنهادی راجع به یگان حفاظت) در تاریخ ۶۷/۵/۱۸ به برادر شمشانی موارد زیر را عنوان می کند:

۱. پرسنلی حداکثر تا ۱۵ روز دیگر پس از تصویب این طرح، ۲۰۰ نفر از ۹ منطقه ایران با شرایطی که متعاقباً توسط حفاظت و آموزش اعلام خواهد شد به حفاظت معرفی خواهد کرد.

۲. این افراد در پادگان های آموزشی قم و نصر تهران به مدت ۴۶ روز، به صورت عملی و تئوری حفاظت از شخصیت ها را آموزش خواهند دید.

۳. با اعزام افراد آموزش دیده دوره اول به مناطق

در تمرینات روی نقشه

با دادن متغیرهای صحنه

نبرد، فرمانده با راهنمایی

استاد در مقابل آن متغیرها،

تصمیم لازم را اتخاذ می کند

کار گذاشتن و خنثی کردن هر کدام از آنها را به ما آموزش داد. یادم هست یک روز آمد و گفت: برادرها، تعدادی مین جدید آمده، بعد هم با لحن کنایه آمیز که ما چندان به آن توجه نکردیم، ادامه داد: تعدادی داوطلب می‌خواهم تا برویم این مین‌های جدید را از انبار بیاوریم. چند نفر، از جمله من که متوجه مقصود ایشان از اصطلاح «انبار» شده بودیم، برای این کار داوطلب شدیم... خلاصه، ساعت شش بعد از ظهر، حاج جعفر با یک وانت توپوتا به سراغ ما آمد. سوار شدیم و به منطقه‌ای

خارج از پادگان که بیشتر شبیه منطقه جنگی بود رفتیم. بعدها دانستیم آنجا محور بلتا - از مناطق فوق‌العاده حساس در عملیات آتی - بوده است. به محض توقف ماشین، حاج جعفر به ما گفت: برادرها، شما همین جا کنار ماشین بمانید، من می‌روم و تا نیم ساعت دیگر برمی‌گردم... حدود

**عمده‌ترین
شاخص بهره‌وری
در مراکز آموزشی،
رسیدن به «مهارت»
است**

چهل و پنج دقیقه بعد دیدیم ایشان با یک گونی بزرگ که بر دوش گرفته بود، برگشت. خیلی عادی گفت: کارمان تمام شد به دوکوهه برمی‌گردیم... تازه ما فهمیدیم که حاج جعفر، دور از چشم ما رفته و این مین‌ها را در میادین مین دشمن خنثی و جمع‌آوری کرده و برای آموزش ما، آنها را به ما خودش آورده است. بعد از اینکه مین‌ها را به پادگان دو کوهه آوردیم. ایشان بلافاصله طرز کار این نوع مین، کاشتن و خنثی کردن آنها را به ما آموزش داد» (بهزاد و بابایی، ۱۳۷۹: ۱۷۵).

مربیان با تجربه، شجاع و کارکشته نیز با تهیه مقادیر قابل توجهی از مین‌های دشمن، آموزش نیروهای یگان‌های سپاه را عهده‌دار بودند و با صبر و حوصله مثال زدنی از پس این امر خطیر برمی‌آمدند.

یگان‌های تخریب از جمله واحدهایی بودند که در شرایط طاقت‌فرسای ناشی از فقدان بدیهی‌ترین امکانات، با زحمت فراوان سروسامان گرفتند. مسئولان این واحدها، چند نمونه بیشتر، مین در اختیار نداشتند و سعی می‌کردند با استفاده از همین تعداد معدود، تخریبی‌های گردان‌های رزمی را آموزش دهند. (بهزاد و بابایی، ۱۳۷۹: ۱۷۲) آنها برای آموزش فن تخریب، نیروها را در تاریکی شب، پای میادین مین می‌آوردند. مین‌ها با چاشنی اشتعالی مسلح شده بودند تا اگر نیروهای تازه کار تخریبی، هنگام خنثی‌سازی آنها مرتکب خطا شدند؛ این اشتباه، آخرین اشتباه آنها نباشد. چرا که اگر مین‌ها به چاشنی جنگی مسلح می‌شدند، در صورت کوچک‌ترین خطایی، مین منفجر و فرد تخریبی، مجروح یا شهید می‌شد. آنها تلاش می‌کردند چه در آموزش تئوریک و چه در مراحل عملی، حتی‌المقدور کار را در حد شرایط واقعی منطقه را به نیروها آموزش بدهند.

یکی از بسیجیان که از بدو تشکیل یکی از واحدهای تخریب همراه این واحد بوده، در مورد نحوه بدیع و ابتکاری آموزش نیروها توسط مسئول وقت واحد تخریب تیپ می‌گوید: «... در بدو کار یگان تخریب، ما حدود بیست تا سی نفر نیروی بسیجی بودیم که از هر گردان دستچین شدیم و برای آموزش تخریب ما را در اختیار حاج جعفر جهروتی زاده قرار دادند. در آن روزها بچه‌ها نسبت به مین، تنوع و کاربرد اقسام این سلاح هیچ‌گونه شناخت قبلی نداشتند. نحوه آموزش ما به صورت ترکیبی از شیوه‌های عملی و تجربی بود. اوایل امر، حاج جعفر تعدادی مین آورد و مشخصات، طرز

آموزش غواصی:

شاید مهم ترین و اساسی ترین نوع آموزش که بیش از هر نوع آموزشی، نیروها را تحت فشار قرار می داد، آموزش غواصی بود. در جریان عملیات های آبی - خاکی جنوب، در برخی یگان ها، از ۵ تا ۶ ماه قبل از عملیات این نوع آموزش آغاز می شد و در دو سه ماه باقی مانده به عملیات، تمرین های غواصی آنچنان اوج می گرفت که در طول روز نیروها اوقات زیادی را در آب به سر می بردند و در وضعیت های مختلف جریان آب رودخانه به مانور

می پرداختند. با وجود این، نیروهای غواص ابراز خستگی نمی کردند و برای ورزیده شدن، شب و روز نمی شناختند. با این همه، برخی از برادران غواص به دلیل تمرین های مداوم در آب و خستگی ناشی از این آموزش، دچار سرماخوردگی

می شدند. البته به دلیل

تغذیه مناسب و سعی وافر برای جبران این ضعف، کمتر عوارض حاد و خطرناکی دیده می شد. (نداف، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۱)

در جریان عملیات والفجر ۸، یگان محور میانی برای عبور از آب های خروشان رود کرخه و نهر عبید پیش بینی های مخاطره آمیزی کرده بودند. مرتضی قربانی، فرمانده تیپ دو کربلا، این کار را ناممکن نمی دانست و درصدد موفقیتی برای آن بخش قائل بود. بدین سبب بر مبنای دقت نظر فرمانده تیپ، برنامه آموزش خاصی برای عبور، در نظر گرفته شد. تعدادی از افراد رزمنده که از

آمادگی فوق العاده ای برخوردار بودند، انتخاب شدند و در رودها و سدهای منطقه خوزستان، آموزش های پیچیده و سختی را انجام دادند. این نیروها علاوه بر آشنایی با شنا و قایقرانی، فنون جنگ در آب و حتی جنگ تن به تن را در دوره های فشرده ای فرا گرفتند. این افراد بیشتر اوقات خود را مانند ماهی در آب به سر می بردند تا بدن و قوای جسمی شان، آمادگی لازم را برای مواقع حاد و خطرناک پیدا کند. آنان این فعالیت ها را با شور و شوق غیرقابل وصفی انجام می دادند. سرانجام این نیروها با پشت سر گذاشتن دوره های مختلف آموزشی، اعم از اختصاصی و عمومی آماده کارزار شدند (نداف، ۱۳۷۹: ۲۱).

در سایر زمینه های عملیاتی نیز کار آموزش ادامه داشت به ویژه در خصوص واحدهای تخصصی ادوات، بهداری، مهندسی، مخابرات، اطلاعات، پدافند هوایی و ... با تلاش بی وقفه یگان ها آموزش های ضروری صورت می گرفت. تمام نیروها به صورت مستمر و مداوم مشغول فراگیری فنون رزم و شیوه های به کارگیری آن بودند. متعاقب آن، آموزش گروهی تاکتیکی یگان ها انجام می گرفت که با استفاده از تجهیزات و تسلیحاتی نظیر تانک، جنگ افزارهای توپخانه و ضدتانک و خمپاره انداز به صورت هماهنگ صورت می پذیرفت. گذشته از آموزش واحدها و نیروها، به منظور دستیابی به هدف نهایی، یگان ها به ابتکار عمل در محدوده جغرافیایی که در طرح عملیاتی آنها واگذار شده بود، دست می زدند.

گردان های رزمی و چگونگی آموزش:

عمدتاً آموزش در گردان ها به عهده خود آنها بود اما واحد آموزش نظامی، برنامه ریزی انواع آموزش را بر عهده داشت. انتخاب گردان های عمل کننده در هر یک از مراحل براساس میزان و مقدار آمادگی، سازمان رزم، آموزش و توانایی و سابقه عملیاتی صورت می گرفت. (رزاق زاده: ۹۱-۹۲)

دستیابی به مهارت، از سه

طریق امکان پذیر است:

الف) تجربه

ب) آموزش

ج) تمرین

رزمندگان دیگری که از نقاط مختلف کشور به خوزستان آمده بودند در خصوص آموزش نیز چنین وضعیتی داشتند. به عنوان نمونه، افرادی نظیر آقایان سید محمود حسینی، علی خادمی اعزامی از قم و علی معتمدزاده و ناصر چراغعلی اعزامی از اهواز و مهدی حسین شاهی اعزامی از کرمان، طی مصاحبه‌های اعلام کرده‌اند که آموزش عمومی خود را در طول

بیشتر از یک ماه در پادگان‌های «غیور اصلی» و «پورگان دیلم»، «ابوشمینوه»، «کریک کم» نام محلاتی در اهواز و اطراف آن شهر به شکل مطلوبی سپری کرده‌اند. این نیروها سپس وارد مراحل بعدی آموزش‌های کاربردی شدند و متعاقب آن آموزش رزم‌های شبانه و برگزاری مانورهای جدی و انجام راهپیمایی‌ها در طول مسافت‌های طولانی را با موفقیت به اتمام رسانده‌اند. (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲: ۵۲)

در این راستا، یکی از رزمندگان گردان اهواز که در محور میانی و خط حد تیپ دو کربلا حضور داشت، در خصوص فراگیری آموزش‌های نظامی چنین می‌گوید:

«نیروهای ما از پاسداران رسمی سپاه اهواز و بسیجی‌های پایگاه‌ها و مساجد مختلف شهر اهواز تشکیل شده بود. پس از سازماندهی، آموزش و آمادگی برای عملیات آغاز شد. یک مانور هم برگزار شد. این مانور با سلاح‌هایی چون تیربار، آر.پی.جی، نارنجک و کلت منور انجام شد. در این مانور، نیروها با یک طرح قبلی حمله کردند تا سنگرهای دشمن را تسخیر کنند و ما هم با کلت منور، تیررسام و آر.پی.جی



در ادامه، به منظور روشن شدن نحوه موضوع آموزش در جریان جنگ تحمیلی، به صورت گزینشی، چگونگی آموزش در جریان عملیات طریق القدس را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نتایج و نکات آموزشی عملیات طریق القدس

عملیات طریق القدس حاوی نکات آموزشی و تجربیات مهمی بود. یکی از رزمندگان شرکت کننده در این عملیات در این زمینه می‌گوید: «بعد از دو ماه پدافند در برابر خطوط دشمن، برای آموزش و آمادگی به مقر پایگاه «شهید غیور اصلی» اعزام شدیم که برادران مبارز عراقی در آنجا حضور داشتند. این پایگاه در جاده آبادان قرار داشت. در آنجا مانورهایی را با این برادران انجام دادیم، این برادران قبل از جنگ به ایران آمده و پناهنده شده بودند و تا آن مدت مشغول آموزش نظامی برای مقابله با ارتش عراق بودند. پس از مدتی، با تعدادی از نیروهای مجاهد عراقی و بچه‌هایی دیگری که از بستان با ما بودند برای عملیات سراسری طریق القدس در منطقه دهلاویه وارد عمل شدیم» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲: ۵۰).

مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲: ۸۹).

نتیجه گیری

جنگ یکی از جدی ترین حوادث جوامع انسانی است که موجودیت، هویت و بقای ملت ها را به چالش می کشد. از طرفی تجربیات حاصل از جنگ ها، میراث گرانبهای جامعه انسانی را رقم می زند و هرگونه بی توجهی به آن، هدر دادن سرمایه گرانقدر یک نسل و یک ملت می باشد. براساس مطالب مطرح شده مشخص گردید آموزش نظامی یکی از مهم ترین ارکان نیروهای مسلح در هر کشور به شمار می آید. در ارتش های پیشرفته، بدون برخورداری از آموزش های لازم، حضور در جنگ معنا ندارد. در واقع این موضوع، تأثیر سرنوشت سازی در جنگ های نوین دارد. بی تردید، استفاده از سیاست ها و تجارب آموزشی بدست آمده در جنگ های گذشته، به ویژه ۸ سال دفاع مقدس و تجارب کشورهای دیگر به صورت قطعی در طراحی نظام آموزش دفاعی - نظامی کشور در آینده بسیار مفید و موثر خواهد بود. در جریان جنگ هشت ساله عراق با ایران، با مجموعه متنوعی از نظام های آموزشی نظامی برگرفته از مکاتب شرق و غرب مواجه هستیم که بخشی برگرفته از شیوه های سنتی و کهنه گذشته بودند و بخشی نیز از متون نوین کلاسیک تبعیت می کردند. در این راستا بعضا به دلیل عدم تأمین منابع مالی، امکانات، تجهیزات، فرصت ها و شرایط لازم، آموزش های دفاعی به صورت کلیشه ای بر پا می شد. برخی نیز بر روش های نوین برگرفته از فضای جدید صحنه نبرد تأکید می کردند و به آموزش های نظامی پویا و کاربردی، اعتقاد داشتند. اکنون با تجارب برگرفته از دوران دفاع مقدس، شاهد تنوع زیادی در نظام های آموزش دفاعی - نظامی کشور هستیم. این موضوع می تواند نویدبخش تدوین طرح واحدهای درسی و

به سوی آنها شلیک می کردیم. گلوله ها حقیقی بود اما یک وجب بالای سر بچه ها را هدف می گرفتیم یا مثلاً نارنجک واقعی را زیر پایشان می انداختیم و منفجر می شد. مانور هنگام شب انجام شد. برای آمادگی جهت شرکت در عملیات، چندین راهپیمایی طولانی داشتیم و این راهپیمایی را در بیابان های اطراف پادگان شهید غیور اصلی انجام می دادیم. راهپیمایی ها براساس ساعت نبود، بلکه چند کیلومتر را تعیین کرده بودیم. به عنوان مثال، یک راهپیمایی ۱۲ کیلومتر و راهپیمایی دیگر ۱۵ کیلومتری یا ۲۰ کیلومتری بود. در جریان یکی از راهپیمایی های ۱۵ کیلومتری، برادر «سید» را، که از نیروهای مخلص بسیجی بود، برای اولین و آخرین بار زیارت کردم. او در این راهپیمایی، یک سنگ بزرگ ۲۰ کیلویی را روی دوشش حمل می کرد و در پیشاپیش نیروها حرکت می کرد. وقتی برادرها از او سؤال کردند چرا سنگ را روی دوش خود

یگان های تخریب از جمله واحدهایی بودند که در شرایط طاقت فرسای ناشی از فقدان بدیهی ترین امکانات، با زحمت فراوان سروسامان گرفتند

گذاشته ای؟ پاسخ داد: می خواهم خودسازی کنم و از نظر جسمی برای نبرد با دشمن آماده شوم. ایشان در همان عملیات طریق القدس به شهادت رسید» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲: ۷۵).

به طور کلی، انتخاب گردان های عمل کننده در هر یک از مراحل عملیات براساس میزان و مقدار آمادگی، سازمان رزم، مهارت های فراگرفته در آموزش ها و توانایی های آنان صورت می گرفت. بخش دوم آموزش نیز توسط یگان های حاضر در منطقه براساس محورها و موقعیت های خاص جغرافیایی تعیین شده برای نبرد انجام می شد (مرکز

منابع و مآخذ:

- ابوغزاله، عبدالحلیم (۱۳۸۰)؛ جنگ عراق و ایران، ترجمه: نادر نوروزشاد، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- بهزاد، حسین، بابایی، گلعلی، همپای صاعقه (۱۳۷۹)؛ (ص)، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و لشکر ۲۷ مکانیزه محمد رسول الله.
- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۸۵)؛ ما و عراق از گذشته دور تا امروز (تجاوز عراق، پیامدها، پایان جنگ، و روی دادهای پس از آن)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۷)؛ کانونهای بحران در خلیج فارس، موسسه کیهان، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- حسینی، حسین و دیگران (۱۳۷۹)؛ فرهنگ اصطلاحات نظامی ۷ زبان، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، موسسه چاپ و انتشارات.
- درودیان، محمد، اجتناب ناپذیری جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، ۱۳۸۲، ص ۷۸
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۹)؛ جنگ ایران و عراق، پرسشها و پاسخها، تهران: موسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- رزاقزاده، امیر (بی تا)؛ دفترچه راوی لشکر ۳۳ المهدی در عملیات کربلای ۴، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- رستمی، علی اکبر (مرداد ۱۳۸۳)؛ ماهنامه خلیج فارس، امنیت، شماره ۴۵.
- سلمان، عباسعلی (آذر ۸۳)؛ مقابله رابطه بین آموزش و کارایی فرماندهان، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، شماره ۴۹.
- سلمان، عباسعلی (مرداد ۱۳۸۳)؛ بررسی و تدوین شاخصهای بهره‌وری متناسب در مراکز آموزشی، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، شماره ۴۵.
- شاهین زاد، فرض الله (۱۳۸۰)؛ گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان، هیات معارف جنگ شهید سپهبد صیاد شیرازی، تهران: انتشارات ایران.
- شاهین زاد، فرض الله (۱۳۸۲)؛ شجاعان نبرد قرارگاه نصر ۲ در عملیات فتح المبین، هیات معارف جنگ شهید سپهبد صیاد شیرازی، تهران: عرشان.
- فوزی، یحیی، لطف الله زادگان، علیرضا (۱۳۷۸)؛ در تدارک

شیوه‌های نوینی برای آموزش‌های نظامی در کشورمان باشد. دستاورد جنگ تحمیلی، به ویژه در مقوله دفاع و امنیت می‌تواند راهگشای نسل آینده نظامیان کشور باشد. در راستای نیل به این اهداف، مقاله حاضر به صورت تلفیقی از تعاریف و چارچوب‌های متداول و همچنین کارکردهای مختلف آموزش در صحنه‌های مختلف جنگ تحمیلی با استفاده از اسناد و منابع معتبر تهیه و تدوین شد. تردیدی نیست که پرداختن به مقوله آموزش در جریان دفاع مقدس و آسیب‌شناسی آن و پی بردن به نقاط قوت و ضعف آن نیازمند تحقیق جامعی است که ضرورت آن نیز کاملاً احساس می‌شود. در این مقاله تلاش کردیم هر چند به اختصار ویژگی‌های مقوله آموزش را در جریان تحمیلی مورد بررسی قرار دهیم. امید است این تحقیق، زمینه‌ای برای ورود جدی‌تر و توجه ویژه به این موضوع مهم از سوی نهادهای نظامی کشور شود.

- عملیات سرنوشت ساز: جلد ۴۳ روز شمار جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- کردزمن، آنتونی (۱۳۸۹)؛ درس هایی از جنگ های نوین، جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین یکتا، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- کیانی، سورنا (۱۳۸۴)؛ شمشیر پیروزی، تهران: چاپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۸۲)؛ عملیات ثامن الائمه (ع) شکست محاصره آبادان، آزادی شرق کارون، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۸۲)؛ عملیات طریق القدس، آزادی بستان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۸۲)؛ عملیات والفجر ۸، فتح فاو، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (بی تا)؛ کتاب تعرضات مرزی عراق علیه ایران در سال ۵۹-۵۸ استان خوزستان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۵۷۲۷۵.
- نائینی، علی محمد (۱۳۸۵)؛ آیین نامه رزمی سازمان ستاد و عملیات مدیریت و طرح ریزی نیروی انسانی، تهران: انتشارات دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی.
- نداف، مجید (۱۳۷۹)؛ نبرد فاو، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.